

اشاره

امروز بیست و چهارم آذرماه سالروز صدور فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی در دفاع از حقوق مردم در حکومت اسلامی و تعیین چهارچوب‌های آن می‌باشد. این فرمان، در واقع پاسخ به مطالباتی است که برخاسته از شعارهای مردم در طول پیروزی انقلاب بوده است؛ همان شعارهایی که در جریان پیروزی سه رده شده و در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به رأی آری اکثریت قاطع مردم انجامید اما به مرور زمان به فراموشی سپرده شد. اگر امام خمینی به خاطر اهمال کاری مسئولان، صدور چنین فرمانی را در سال ۱۳۶۱ ضروری می‌دانستند، نیاز به آن در شرایط امروزی، دوصدچندنان و از نان شب واجب‌تر است اما با تأسیف فراوان، نه تنها این پیام سرنوشت ساز، بلکه بسیاری دیگر از پیام‌ها و منویات سرنوشت ساز ایشان نیز به دست فراموشی سپرده شده و موجبات نارضایتی مردم نیز فراهم آمده است. شاید مرور چندباره این پیام سرنوشت ساز، برخی از وجدان‌های خفته را بیدار کند.

محتوای پیام

محتوای این فرمان در هشت محور، به قرار زیر است.

- تهیه و تدوین قوانین شرعیه**

امام خمینی(ره) در بند اول این فرمان بر لزوم تهیه قوانین

شرعیه تأکید نموده و می‌فرمایند:

«تهیه قوانین شرعیه و تصویب و ابلاغ آن‌ها با دقت لازم و سرعت انجام گیرد و قوانین مربوط به مسائل قضایی که مورد ابتلای عموم است و از اهمیت بیش‌تر برخوردار است در رأس سایر مصوبات قرار گیرد که کار قوه قضاییه به تأخیر با تعطیل نکشد و حقوق مردم ضایع نشود و ابلاغ و اجرای آن نیز در رأس مسائل دیگر قرار گیرد».(صحیفه امام، ج۱۷، ص۱۲۹) در این بند، حضرت امام خمینی هدف روشن و مشخصی را دنبال نموده و برای رسیدن به این اهداف، پیشنهاد و راهکار منطقی و قانونی آن را ارائه می‌فرماید.

فقنان برخی قوانین راه گشا و کارآمد و در نهایت معطلی مردم در راهروهای قوه قضاییه، رهبر انقلاب را وا داشت، به عنوان اولویت ویژه نسبت به رفع آن اقدام و سادترین راه برای رفع این مشکل که تهیه و تدوین قوانین و مقررات شرعیه است را مطالبه نماید. ازسوی دیگر، روشن است مردمی که انقلاب کرده و خواستار جمهوری اسلامی بوده و به این نظام با شصت و پنج سال تجربه و مصوبات اسلامی رأی داده‌اند، حق برخورداری از اجرای قوانین و مقررات شرعی را داشته و اصولاً چنین حق و حقوقی، مبنای فکری و اندیشه سیاسی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. بنابراین رأی بیش از ۹۸ درصد به جمهوری اسلامی، اجرای این قوانین و مقررات شرعی را الزامی می‌کند و تأخیر در اجرای این قوانین، به نوعی ضایع شدن حق مردم است.

۲-رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان‌ها و دادگاه‌ها و کارمندان و متصدیان امور
بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران در بند ۲ این فرمان، درخواست رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان‌ها و دادگاه‌ها را مورد تأکید قرار داده تا امور، شرعی و الهی شده و حقوق مردم ضایع نگردد و به همین نحو، رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور با بی‌طرفی و بدون مسامحه و بدون اشکال تراثی‌های جاهلانه که گاهی از تندروها نقل می‌شود، صورت گیرد تا درحالی که اشخاص فاسد و فاسد تصفیه می‌شوند، اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات

ضرورت هم‌زمانی

در آستانه سالروز شهادت دکتر محمدفتح که به روز وحدت حوزه و دانشگاه نام‌گذاری شده است، قرار داریم. درباره وحدت این دو نهاد علمی نظریه‌های فراوانی ارائه شده است و به عبارتی این بحث گستره‌ای از امکان تا امتناع وحدت را دربر گرفته است. نگارنده این مقاله بر این باور است که وحدت این دو نهاد علمی نه تنها منتفع نمی‌باشد که ممکن است و برای اعتنا و تکامل فهم و معرفت دینی لازم و ضروری می‌باشد.

برای ایجاد وحدت بین حوزه و دانشگاه برقراری هم‌زمانی بین این دو نهاد شرط مهمی به شمار می‌آید. درباره ضرورت هم‌زمانی مولانا جلال‌الدین در دفتر دوم مثنوی معنوی داستانی بدین مضمون، بیان نموده؛ که سردی به چهار نفر یک درهم می‌دهد و می‌خواهد که هر چهار نفر به اتفاق هم یک چیز بخرند، اولی که فارس زبان بسود می‌گوید با این درهم انگور می‌خرم، دومی که عرب زبان بود گفت من عنب می‌خواهم نه انگور، سومی که ترک زبان بود گفت من ازم می‌خواهم و در نهایت نفر چهارم که رومی بود گفت خواهان هیچ یک از آن چه نقد نیستم بلکه استافیل (انگور) می‌خواهم. این چهار نفر با این که خواستار یک حقیقت بودند، چون زبان همدیگر را فهم و درک نمی‌کردند، در نزاع و جنگ شدند.

در تنازع آن نفر جنگی شدند

که ز سر نامها غافل بدمد

مشت بر هم می‌زدند از ابله‌ی

پر بدند از جهل و از دانش تهی

صاحب سری عزیزی صد زبان
گر بدی آنجا بدای صلحشان
پس بگفتی او که من زین یک درم
آرزوی جمله‌تان را می‌دهم

چونک بسیاری دل را بی‌دغل

این درم‌تان می‌کند چندین عمل
یک درم‌تان می‌شود چار المراء
چار دشمن می‌شود یک ز اتحاد
گفت هر یکتان دهد جنگ و فراق

گفت من آرد شما را اتفاق
پس شما خاموش باشید انصوا

تا رباتان من شوم در گفت‌وگو
مولوی در اینجا به فهم زبان یکدیگر و به هم‌زمانی تأکید می‌کند و آن را عامل مهمی در رفع نزاع و جدال می‌داند و در جای دیگری از مثنوی به نکته مهم دیگری اشاره می‌کند که از هم‌زمانی برتر است و آن همدلی می‌باشد و می‌گوید دو نفر هم‌زبان چون همدل نیستند مانند دو بیگانه می‌باشند و دو غیر هم‌زبان به دلیل همدلی، یار و دوست به شمار می‌آیند.

ای بسا هندو و ترک هم‌زبان
ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان مجرمی خود دیگر است
هم‌دلی از هم‌زمانی بهتر است

غیر نطق و غیر ایما و سجل
صد هزاران ترجمان خیزد ز دل

الزامات هم‌زمانی

این داستان کاملاً در باره حوزه و دانشگاه صادق است. روشن است این دو نهاد که براساس ماهیت خود در یک جامعه اسلامی در یک مسیر حرکت می‌کنند، نیاز به وحدت دارند و این وحدت نیاز به هم‌زمانی میان این دو نهاد دارد. چنان که هم‌زمانی میان حوزه و دانشگاه نیز الزاماتی دارد که اگر رعایت نشود، هم‌زمانی میان آنان

آیت‌الله محمدتقی جعفری، رئیس هیئت‌مدیره حوزه

آیت‌الله محمدتقی جعفری، رئیس هیئت‌مدیره حوزه، در جریان دیدار با روحانیون و علمای حوزه، درمورد لزوم هم‌زمانی بین حوزه و دانشگاه سخن می‌گوید.

واهی کنار گذاشته نشوند. ایشان در این فقره، دستگاه قضایی و سایر دستگاه‌های دیگر را مورد هدف قرار داده و خواستار اصلاح آن می‌شوند؛ چرا که نقطه برخورد نظام سیاسی و افراد اجتماعی، دستگاه‌های اداری و سیستم قضایی است. بنابراین مردم باید در برخورد با این دو نهاد، تغییر مورد نظر خود و اجرای احکام و مقررات اسلامی را مشاهده کنند؛ زیرا اگر قرار بر این باشد که وزیر همان وزیر و سفیر همان سفیر و استاندار همان استاندار و قاضی و قاضی‌القضات همان گونه باشند که قبلاً بوده‌اند و همان قوانین و مقررات را اجرا کنند، چه ضرورتی به انقلاب و رفراندوم ۱۲ فروردین و سایر موارد بود؟ پس اصلاح سیستم مدیریت و ارگان نظام اداری امری بدیهی و روشن است. امام خمینی در بند ۲ فرمان ۸ ماده‌ای، اگر چه به رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان و کارمندان و متصدیان امور و ضرورت تصفیه افراد فاسد و فسد تأکید می‌کند، ولی با توجه به تعلیم دینی و اخلاقی، تذکراتی به مسئولین امور می‌دهد که بسیار قابل تأمل و دقت است.

*امام خمینی: در جریان تصفیه افراد فاسد و فسد دقت شود تا اشخاص مفید و مؤثر با اشکال تراشی‌های واهی کنار گذاشته نشوند

آیت‌الله محمدتقی جعفری، رئیس هیئت‌مدیره حوزه، درمورد لزوم هم‌زمانی بین حوزه و دانشگاه سخن می‌گوید.

۱) رسیدگی به صلاحیت‌ها باید با بی‌طرفی کامل باشد.

۲) این رسیدگی‌ها باید بدون مسامحه و بدون اشکال

تراشی‌های جاهلانه صورت پذیرد.

۳) در جریان تصفیه افراد فاسد و فاسد دقت شود تا

اشخاص مفید و مؤثر با اشکال تراشی‌های واهی کنار گذاشته نشوند.

۴) میزان حال فعلی اشخاص است.
۵)باید نسبت به بعضی از اشکالات و لغزش‌هایی که اشخاص در رژیم گذشته داشته‌اند غمض عین شود.

۶) افرادی باید تصفیه شوند که مشخص شود درحال حاضر کارشکن و مفسد می‌باشند.
۷)باید نسبت به بعضی از اشکالات و لغزش‌هایی که اشخاص در رژیم گذشته داشته‌اند غمض عین شود.
۸) افرادی باید تصفیه شوند که مشخص شود برخورد می‌کنیم که در تمامی محاکم و در همه سیستم‌های حقوقی کشورهای مختلف تقریباً درحال همسان شدن است و این مقررات که نیاز به قوه قضاییه مستقل دارد، عبارت‌اند از

۱- جلوگیری از بازداشت‌ها و دستگیری‌های غیرقانونی و

خودسرانه.

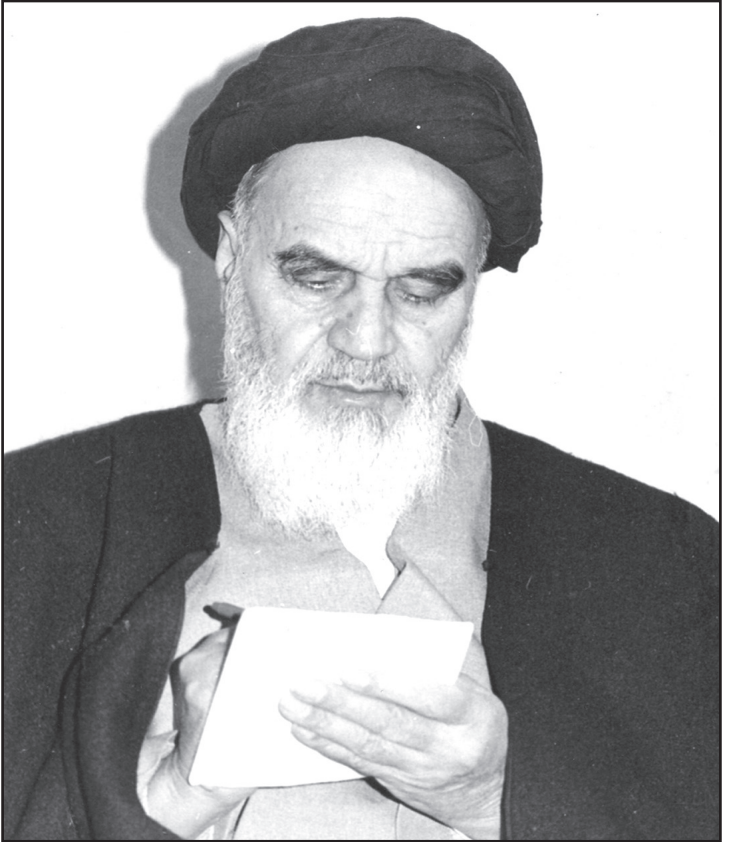
۲- تفهیم اتهام دستگیر شدگان و رعایت حقوق متهمین.

۳- ایجاد زمینه دسترسی آزادانه به وکیل برای متهمین و

۳ – استقلال و قاطعیت قضات واجد شرایط اسلامی در قضاات و داوری

در بند ۲ فرمان ۸ ماده‌ای، حضرت امام به چند نکته اشاره می‌نماید که یکی از آنها تأکید بر استقلال دستگاه قضایی است. در این رابطه می‌فرمایند: «دادگاه‌ها با استقلال و قدرت و بدون ملاحظه از مقامی، احکام اسلامی را صادر کنند و

فرمانی به مثابه هویت جمهوری اسلامی



آیت‌الله محمدتقی جعفری، رئیس هیئت‌مدیره حوزه، درمورد لزوم هم‌زمانی بین حوزه و دانشگاه سخن می‌گوید.

در سراسر کشور بدون مسامحه و تمویق به کار پر اهمیت خود ادامه دهند». استقلال و قاطعیت قضایی موجب تأمین حداکثری حقوق مردم می‌گردد. اهتمامی که امروزه به رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی صورت می‌پذیرد، رعایت مقررات برگزاری دادرسی عادلانه را توسط قضات مستقل ضروری می‌نماید. در این زمینه به مجموعه مقرراتی برخورد

می‌کنیم که در تمامی محاکم و در همه سیستم‌های حقوقی کشورهای مختلف تقریباً درحال همسان شدن است و این

مقررات که نیاز به قوه قضاییه مستقل دارد، عبارت‌اند از

۱- جلوگیری از بازداشت‌ها و دستگیری‌های غیرقانونی و

خودسرانه.

۲- تفهیم اتهام دستگیر شدگان و رعایت حقوق متهمین.

۳- ایجاد زمینه دسترسی آزادانه به وکیل برای متهمین و

*امام خمینی: هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید

در جستجوی هم‌زمانی میان حوزه و دانشگاه

آیت‌الله محمدتقی جعفری، رئیس هیئت‌مدیره حوزه، درمورد لزوم هم‌زمانی بین حوزه و دانشگاه سخن می‌گوید.

آیت‌الله محمدتقی جعفری، رئیس هیئت‌مدیره حوزه، درمورد لزوم هم‌زمانی بین حوزه و دانشگاه سخن می‌گوید.

آیت‌الله محمدتقی جعفری، رئیس هیئت‌مدیره حوزه، درمورد لزوم هم‌زمانی بین حوزه و دانشگاه سخن می‌گوید.

*امام خمینی: هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید

آیت‌الله محمدتقی جعفری، رئیس هیئت‌مدیره حوزه، درمورد لزوم هم‌زمانی بین حوزه و دانشگاه سخن می‌گوید.



ساخته، چه زمانی ساخته شده و چه مقدار از فضا را اشغال می‌کند. در مورد علوم نیز همین دو مطالعه جریان دارد. به عنوان نمونه، علم اخلاق شناخت فضائل و رذائل و چگونگی کسب فضائل و ترک رذائل است. که معرفتی پیشینی، درونی و درجه اول است. اما معرفت بیرونی و درجه دوم علم اخلاق همان است که از آن به فلسفه علم اخلاق نام برده می‌شود. و درباره چرایی و علت اینکه چرا یک رفتار فضیلت و رفتار دیگر رذیلت است و گزاره‌های اخلاقی چه گزاره‌های هستند سخن می‌گوید. در مورد علم تاریخ و فلسفه تاریخ نیز همین قاعده جاری است. علم تاریخ معرفتی درجه اول است و یک مورخ وقایع تاریخی را می‌داند که فالان پادشاه در چه سالی متولد شد، در چه سالی به سلطنت رسید، اتفاقات مهم دوران پادشاهی او چه بود و در چه سالی درگذشت. اما فلسفه تاریخ معرفتی بیرونی و درجه دوم است و یک فیلسوف تاریخ اطلاع بسیاری از تاریخ و اتفاقات تاریخی ندارد زیرا موضوع مطالعه او چرایی و علت اتفاقات است و اینکه آیا تاریخ یک کل معنا دار، دارای مسیر مشخص و قابل پیش‌بینی است یا خیر؟. به عبارت دیگر اضافه وازه علم به موضوعی خاص مانند علم فیزیک، علم فقه و علم حقوق معرفتی درجه اول و مطالعه درونی آن علم است و فلسفه مضاف یعنی اضافه وازه فلسفه به هر علمی مانند فلسفه علم حقوق معرفتی درجه دوم و مطالعه بیرونی آن علم است. بنابراین میان این دو معرفت و شناخت فاضله‌ای عمیق وجود دارد و در مقام تحقیق و مطالعه باید بین این دو معرفت تمایز قائل شد و میان آن دو خلط نکرد. ناگفته نماند که لزوماً عالمی که به دانشی معرفت درجه یک دارد به همان علم معرفت درجه دو ندارد، هر چند که مانعه الجعم نیز نمی‌باشند و جمع هر دو معرفت به فهم بهتر و عمیق‌تر یکدیگر یاری می‌رسانند.

تطبیق

حس پای از بیان الزامات هم‌زمانی میان دو علم، بعد از بیان مقدمه‌ای کوتاه درباره جایگاه فقه به تطبیق این دو گام و چگونگی تأثیر آن در وحدت حوزه و دانشگاه می‌پردازیم. به طور معمول ادیان از جمله اسلام به سه بخش عمده تقسیم می‌شود. احکام (علم فقه)، اعتقادات و عقیق‌تر یکدیگر یاری می‌رسانند.

حس پای از بیان الزامات هم‌زمانی میان دو علم، بعد از بیان مقدمه‌ای کوتاه درباره جایگاه فقه به تطبیق این دو گام و چگونگی تأثیر آن در وحدت حوزه و دانشگاه می‌پردازیم. به طور معمول ادیان از جمله اسلام به سه بخش عمده تقسیم می‌شود. احکام (علم فقه)، اعتقادات

جمهوری اسلامی

شده را جرم و گناه دانسته و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان را از کبایر دانسته که مرتکبین هر یک از این امور را مجرم و مستحق تعزیر شرعی و حتی برخی را موجب حد شرعی تشخیص داده‌اند.

۷ – لزوم برخورد با مفسدین و توطئه‌گران

امام خمینی علاوه بر تمامی سفارش‌هایی که برای رعایت حقوق مردم و شهروندان معلول دارند، در عین حال از برخورد با مفسدین و توطئه‌گران و خراب‌کاران و نقشه‌های شوم آن‌ها – برای انقلاب و نظام نوپا غفلت نمی‌نماید و متذکر می‌شوند که: «آن چه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بی‌گناه کوچک و بازار و برای نقشه‌های خراب‌کاری و افساد فی الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند» و دستور می‌فرماید که: «آن چه هر نقطه که می‌باشند و هم چنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضایی و دانشگاهی و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل ولی با احتیاط کامل عمل شود. در همین مواقع نیز از حقوق مردم غفلت نفرموده و مجدداً می‌گویند: «هو‌کذا تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا بهالت لهنو یا الات قمار و فحشا و سایر جهات انحراف می‌نمایند، مواد مخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیرگان افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعی نماید»(همان). ایشان در همه حال رعایت ضوابط شرعیه را ملاک و معیار انجام وظیفه دانسته و می‌گویند: «حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد».

۸ – تعیین متولی و مسئول پیگیری فرمان

حضرت امام در بند ۸ این فرمان، رئیس دیوانملی کشور و نخست‌وزیر وقت را مأمور نموده، ضمن دستور به رعایت مفاد این فرمان، محوهرای زیر را مورد تأکید قرار می‌دهند.

الف) سرپما از امور مذکور با سرعت و قاطعیت جلوگیری شود.

ب) لازم است در سراسر کشور، در مراکز استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها هیأت‌هایی را که مورد اعتماد و وثوق می‌باشند انتصاب نمایند تا مردم شکایات خود را به آنها ارجاع نمایند.

پ) متجاوزین به حقوق مردم موافق با حدود تعزیرات شرعی مجازات شوند.

ت) باید همه بداندند قابل قبول و تحمل نیست که به اسم اسلام و انقلاب و انقلابی بودن خدای خواسته به کسی ظلم شود.

ث) باید ملت احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خوش ادامه دهند.
ج) مردم باید قوه قضاییه را در دادخواهی‌ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند و مردم باید قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود کشور خود بداندند.
ح) همگان در این زمینه مسئولند و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقب و جزای دنیوی است.

آیت‌الله محمدتقی جعفری، رئیس هیئت‌مدیره حوزه، درمورد لزوم هم‌زمانی بین حوزه و دانشگاه سخن می‌گوید.

آیت‌الله محمدتقی جعفری، رئیس هیئت‌مدیره حوزه، درمورد لزوم هم‌زمانی بین حوزه و دانشگاه سخن می‌گوید.

آیت‌الله محمدتقی جعفری، رئیس هیئت‌مدیره حوزه، درمورد لزوم هم‌زمانی بین حوزه و دانشگاه سخن می‌گوید.

اρθ مطرح می‌شود از این خاستگاه است. آنان با تعریفی برون دینی از عدالت، عقل و کرامت انسانی این احکام را مورد پرسش قرار می‌دهند و کارائی آنها را زیر سؤال می‌برند. اما یک فقیه به دلیل محدودیت متن و تعریف درون دینی از عدالت و اجماع علما در مورد این احکام، آنها را احکامی موجه می‌بیند و پریشی در ذهن او خلجان نمی‌کند و ضرورتی نمی‌بیند که احکام شرعی را با چهار ویژگی برون دینی؛ اقلانسه، عادلانه، اخلاقی و کارایی بسنجد و ارزیابی کند.

بنابراین برای ایجاد تفاهم و هم‌زمانی از یک سو جامعه دانشگاهی نخست باید به فقه نگاهی درونی داشته باشد، آگاه به هویت تاریخی اجتماعی آن باشد و به متدلوژی فقه و به محدودیتهای آن واقف گردد و دست کم به روش و شیوه استنباط احکام شرعی آشنا شود و بداند هر حکم فقهی از پیشینه و پشتوانه‌ای محکم برخوردار است و دارای مبادی و مبانی معرفتی و غیر معرفتی است بنابراین یک حکم فقهی به راحتی و سادگی جای خود را به حکمی دیگر نمی‌دهد. و ازسوی دیگر فقه‌ها و حوزه‌های علمیه نیز باید تلاش کنند تا جای ممکن مطالعات برون دینی را گسترش دهند و نگاه بیرونی به فقه و گزاره‌های دینی داشته باشند و دست کم آگاه به مبانی زبان‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی دینی معاصر باشند بدانند با مبانی جدیدی که در دنیای مدرن مطرح شده و مورد اقبال عموم قرار گرفته، پذیرش برخی از احکام با مشکل مواجه است. به عنوان نمونه انسان معاصر با پذیرش اصل تساوی جیستیتی و کرامت انسانی به راحتی حکم اثر و دیه زنان را نمی‌پذیرد. فقه‌ها در این جا باید با اجتهادی روشمند و نگاهی نه تنها معطوف به درون بلکه با نگاهی بیرونی گره گشایی کنند. به عنوان نمونه‌ای دیگر مسئله عقابیت در احکام است که در دنیای معاصر مطرح شده است و نیاز به بحث و بررسی فراوان دارد، اما پیش از آن باید روشن شود که با توجه به اینکه فقه یکی از منابع مهم در اجتهاد است چه نقشی در اجتهاد همین حضور و معارضه و لزوم پاسخ‌گویی به مسائل مطرح شده به قدرت و توانمندی آن افزوده است.
اسبب سنانسی نقد فقه
در ابتدای این نوشتار از لزوم هم‌زمانی و هم‌دلی سخن به میان آمد. برای دست یافتن به هم‌زمانی باید بررسی شود که جامعه دانشگاهی و ازسوی دیگر حوزه‌های علمیه از چه منظر و خاستگاهی ناظر به علم فقه هستند. به طور خلاصه می‌توان گفت که این سه بخش احکام به عنوان نمای دین و اسلام شناخته می‌شود. و بیشتر بحثها و انتقادات متوجه بخش احکام و علم فقه است. چرا که این بخش از دین به طور مستقیم با زندگی همه افراد در تماس است. به همین دلیل بیشتر توان حوزه‌های علمیه و طلاب علوم دینی صرف این بخش از دین می‌شود و صاحب‌نظر شدن و رسیدن به درجه اجتهاد در این بخش حائز اهمیت بیشتری است. ازسوی دیگر بیشتر توجه، بررسی و نقدهای جامعه دانشگاهی(۱) که دغدغه دینی ندارند نیز معطوف به بخش احکام و علم فقه است.
همانطور که بیان شد هر معرفتی را می‌توان از دو منظر مورد مطالعه قرار داد، علم فقه نیز این قاعده مستثنی نیست. یک فقیه به علم فقه معرفتی درجه اول و درونی است و به بسا نسبت به معرفت بیرونی (فلسفه فقه) عامدانه غفلت ورزد و اساساً آن را وظیفه خود نداند و صد البته این غفلت و عدم آگاهی به تفقه او زمانی نمی‌رساند. همچنین علم فقه دانشی است که هویت تاریخی دارد و دانشی نوپا و نوظهور نیست. این علم پیشینه‌ای هزار ساله دارد و مسئله به مسئله رشد کرده و بالیده و فراز و فرود داشته و مکتبها و مدرسه‌های مختلفی در آن شکل گرفته است. ازسوی دیگر علم فقه همانند علوم دیگر از هویتی اجتماعی برخوردار است. عنوان نمونه نظریه‌های جدید فقهی نخست با مقاومت جامعه علمی روبرو شده و سپس اندک اندک جای خود را باز کرده و به صدر نشست و مورد پذیرش و مقبولیت عام قرار گرفته است. نزاع اصولیان با اخباریان (گفت وگوه‌ای وحید براهینی با شیخ یوسف بحرانی) نمونه روشنی از این فراز و فرودها است. همچنین مقاومت جامعه علمی با فتوای آیتالله حکیم درباره طهارت اهل کتاب و فتوای اسام خمینی درباره حکم شطرنج نمونه‌ای از این نزاعها است. لذا از یک فقیه ولو نوآور نمی‌توان انتظار داشت تمام هویت اجتماعی یک حکم شرعی را به یک‌باره نادیده بگیرد. همچنین علم فقه متدلوژی و روش بررسی و تحقیق

۱ – به جای استفاده از واژه روشنفکر دینی از واژه جامعه دانشگاهی استفاده می‌کنم زیرا از یک سو دایره بیشتری از افراد را دربر می‌گیرد، اعم از اینکه دغدغه دینی داشته باشند یا نه نداشته باشند، یا به با حقوق‌دان نیست به برخی احکام مسخنی و انتقادی داشته باشند و ازسوی دیگر گرفتار این بحث نشوم که واژه روشنفکر دینی گزاره‌ای متناقض‌نما است یا خیر؟